

شبهه قرآنی و پاسخ امام هادی(ع)

موسی بن محمد می‌گوید: روزی یحیی بن اکثم را دیدم. او از من سؤالاتی پرسید، پس نزد برادرم امام هادی (ع) آمدم و بین ما مباحثی رد و بدل شد که اطاعت او را بر من لازم و روشن ساخت.



موسی بن محمد می‌گوید: روزی یحیی بن اکثم را دیدم. او از من سؤالاتی پرسید، پس نزد برادرم امام هادی (ع) آمدم و بین ما مباحثی رد و بدل شد که اطاعت او را بر من لازم و روشن ساخت. از ایشان پرسیدم: "قربانت گردم! یحیی ابن اکثم از من سؤالاتی پرسیده و خواسته است تا به او جواب دهم. امام هادی (ع) فرمودند: "آیا پاسخ او را دادی؟" گفتم: خیر، پاسخ آنها را نمی‌دانستم. امام (ع) فرمودند: آن سوالات چه هستند؟ گفتم: نوشته‌ای داده که در آن پرسیده است: خداوند در قرآن می‌فرماید: "آنکه نزدش بهره‌ای از کتاب بود (به سلیمان) گفت: من تخت (ملکه سبأ) را قبل از آنکه پلک بزنی نزدت حاضر خواهم کرد." (1) سؤال کننده حضرت سلیمان و پاسخ دهنده آصف (بن برخیا) است. آیا سلیمان پیامبر به علم آصف نیازمند است؟ و در آیه: "اگر در آنچه بر تو فرو فرستاده‌ایم شک داری، پس از قاریان کتب آسمانی بپرس" (2) اگر مخاطب آیه خود پیامبر باشد پس او نیز شک کرده است (و دچار تردید شده است) و اگر مخاطب آیه کسی دیگری است پس قرآن بر چه کسی نازل شده است؟ ... امام (ع) فرمودند: برایش بنویس. گفتم: چه بنویسم؟

فرمودند: بنویس بسم الله الرحمن الرحيم. خداوند تو را هدایت نماید. نوشته تو نزد من آمد که قصد داشتی ما را بدان بیازمایی و اگر در جوابت کوتاهی کردیم، بر ما طعنه بزنی؛ همانا خداوند تو را در نیتت مجازات خواهد کرد. ما سؤالات را جواب داده‌ایم، پس بدان گوش فرا ده و فہمت را در برابر آن دلیل گردان و قلبت را بدان مشغول بدار، همانا حجت بر تو آمده است. والسلام در آیه "آنکه نزدش بهره‌ای از کتاب بود (به سلیمان) گفت: من تخت (ملکه سبأ) را قبل از آنکه پلک بزنی نزدت حاضر خواهم کرد"، سلیمان به آنچه (آصف) می‌دانست و فراتر از آن عالم و آگاه بود؛ لیکن می‌خواست به امت خود اعم از جن و انس بفهماند که حجت پس از او (آصف) است و آنچه آصف انجام داد به امر پروردگار از سلیمان آموخته بود تا در پیشوایی و ولایت وی اختلاف بوجود نیاید و حجت بر همگان تمام باشد.

و در آیه "اگر در آنچه بر تو فرو فرستاده‌ایم شک داری پس از قاریان کتب آسمانی بپرس"، مخاطب آیه شخص پیامبر است و (آن حضرت) کمترین شک و تردیدی درباره آنچه بر او نازل شده بود، نداشت؛ لیکن جاهلان می‌گفتند: چرا خداوند از ملائکه پیامبری مبعوث نکرد؟ و چرا خداوند پیامبر خودش را از خوردن، آشامیدن و رفت و آمد در معابر و بازارها بی‌نیاز ساخت؟ لذا خداوند به رسول اکرم وحی نمود تا در حضور معترضان جاهل، از قاریان کتاب (تورات) بپرسد.

آیا خداوند تا کنون پیامبری را که نه بخورد و نه بیاشامد و نه در بازارها رفت و آمد کند فرستاده است؟ (و چون چنین نیست ای محمد تو نیز مانند آنان هستی و در این موارد با دیگران فرقی نداری).

و اینکه خداوند تعبیر: "فإن كنت في شك" (اگر شک داری)، را بکار می‌برد - با آنکه پیامبر هرگز شک نداشته است - برای رعایت انصاف در گفتگو و مجادله است که خداوند در آیه مباحله می‌فرماید: "(ای پیامبر به کافران) بگو: بیایید همگی فرزندان، همسران و خود را بخوانیم؛ سپس به مباحله بپردازیم و لعنت خدا را به دروغگویان قرار دهیم." (3) اگر خداوند می‌فرمود: بیایید لعنت خدا را بر شما قرار دهیم، آنان دعوت حق را نمی‌پذیرفتند. لذا با آنکه خداوند می‌دانست فرستاده و پیامبرش راستگوست و ادای وظیفه کرده است و همچنین خود پیامبر نیک می‌دانست که در گفته‌هایش صادق است لیکن ترجیح داد انصاف در گفتار را رعایت کند و دروغگویان را مردود قرار دهد ...

پی نوشت ها:

1- "قال الذي عنده علم من الكتاب أنا آتيك به قبل أن يرتد إليك طرفك" (سوره نمل، آیه 40)

2- "فإن كنت في شك مما أنزلنا إليك فاسأل الذين يقرؤون الكتاب" (سوره يونس، آیه 94)

3- "قل تعالوا ندع ابنائنا وابنائكم ونسائنا ونسائكم وانفسنا وانفسكم ثم نبتل فنجعل لعنة الله على الكاذبين" (سوره آل عمران، آیه 61)

بخش عترت و سیره تبیان

منبع: تحف العقول، تالیف حسن بن شعبه حرانی، صفحات 481 - 476.

